



احمد بیرشک

## نکته‌ای درباره فرهنگ معین

کار سترگ دهخدا، این بخت را داشته است که گروهی پژوهنده در بنیادی به نام او، به تکمیل و برزمان کردن آن مشغولند که زیر عنوان دایرةالمعارف فارسی منتشر می‌شود. کار ارزنده استاد معین اما تا کنون چنین اقبالی نیافته است. احمد بیرشک مترجم و معلم نامدار در پی انتشار آدینه شماره ۲۶ که در آن مطلبی بنیاد بود استاد محمد معین منتشر شده بود، نکاتی را درباره تکمیل فرهنگ معین و شیوه‌های مرسوم در دنیای پیشرفته یادآور شده‌اند که در اینجا خواهد آمد.

در شماره ۲۶، مردادماه ۱۳۶۷، آدینه مقاله‌ای با عنوان "معین همیشه ماندگار است" انتشار یافته است. آنچه نویسنده درباره دکتر معین و کارهایش، خاصه فرهنگ معین، نوشته است مورد تصدیق همه کسانی است که با آن زنده‌جاوید آشنا بوده‌اند. فرهنگ معین اثری است بی مرگ که پیوسته طرف رجوع همه کسانی است که فارسی می‌نویسند و می‌خواهند تا حدی که ممکن است فارسی را درست بنویسند. این فرهنگ خصوصیتی هم دارد که در پنج مرتبه که در مقاله "معین همیشه ماندگار است" بر شمرده شده‌اند نادیده مانده است، هر چند بسیار ارزنده و سودمند است:

فرهنگ معین در پای صفحات غالباً مرادفهای فرانسو و - گاهی - لاتین اصطلاحات علمی متعدد را آورده است. و این خود کلیدی است برای گشودن در فرهنگنامه‌ها و دانشنامه‌های بزرگ بر روی جویندگان اطلاعات بیشتر: این کار، به خصوص درباره گیاهان و جانوران، فرهنگ معین را به صورت کتاب لغت گیاهشناسی و جانورشناسی فارسی به فرانسه (و گاهی لاتین) در آورده است. به علاوه اصطلاحات گیاهشناسی و جانورشناسی با دقت و جامعیتی هر چند نسبی، تهیه شده که کتاب را در حکم یک فرهنگ گیاهشناسی و جانورشناسی قرار داده است. و این خود نتیجه استفاده مولف دانشمند و مال‌اندیش از وجود دانشمندان و صاحب‌نظران در رشته‌های اختصاصی آنان بوده است.

اما مراد من از نوشتن این سطرها افزودن

چیزی درباره شخص یا شخصیت دکتر محمد معین با ارزش اثر جاودانی او نیست، بلکه مقصودم گفتن نکته‌ای است که دست کم تا جایی که من می‌دانم - از نظرها دور مانده است.

فرهنگ، یا کتاب لغت، اثری نیست که "در جازدنش" روا باشد، خاصه اثری مانند فرهنگ معین. این فرهنگ که چون گوهری تابناک بر تارک زبان ما می‌درخشد، کار یک ربع قرن پیش است. و امروز ناقص است و تقریباً کهنه شده است، چون در این ربع قرن هزارها واژه و اصطلاح جدید به زبان راه یافته‌اند. علاوه بر این فرهنگ کاستی‌هایی هم دارد که اعتراف به وجود آنها از ارزش اثر نمی‌کاهد اما باقی ماندنشان به تدریج به اعتبار اثر زبان خواهد رسانید.

فرهنگ، موجود زنده‌ای است که باید به‌بالد و رشد کند و پیش برود - موجود زنده‌ای که می‌تواند، دست کم تا مدتی دراز - از مرگ در امان بماند؛ مشروط به آن که از تندرستی آن مراقبت شود.

مولف زنده نام و زنده یاد فرهنگ در پایان مقدمه چاپ اول نوشت "این فرهنگ لااقل سه بار باید تهذیب و تنقیح و تجدید طبع شود. آنگاه می‌توان امیدوار بود که با فرهنگهای مشابه اروپایی لاف برابری زند" و محتاج به گفتن نیست که مقصودی از "تجدید طبع" مگر به ماشین بستن زینکها و فیلمهای موجود نبود، چون اگر این کار بی نهایت بار صورت پذیرد بی‌چونی و چگونگی فرهنگ تأثیری نمی‌بخشد. مقصود چاپ دوم بود با تجدید

نظر کامل و از میان بردن کاستیها و تصحیح اشتباهات و افزودن مطالب تازه و بهره‌گیری از تجربه‌های چاپ اول برای بهتر کردن اثر. و باز در همان پایان مقدمه آمده بود که "مولف و ناشر بر آنند (توجه بفرمایید: بر آنند، نه امیدوارند) که حداکثر تا پنج سال دیگر چاپ دوم فرهنگ را منتشر سازند". اگر آن بیماری مغزی که سرانجام جامعه ایرانی را از وجود مردی بسیار پراح و پرکار محروم کرد پیش نیامده بود این کار می‌شد. چه بسا دریغ که نشد!

اما، راست آن که هیچ مولفی، در هر درجه از دانش و باهر اندازه آمادگی برای کار و کوشش، برای آن ندارد که اثری مانند فرهنگ را خودش به‌سوی کمال رهبری کند و به آن نزدیک سازد. عمر محدود است و سال‌های آخر زندگی عموماً با ناتوانی جسمی، و گاه فکری، همراه است. پایان عمر مانع تحقق چنین آرزوی محالی است، و انگهی آرزوی محال تحقق پذیر نیست. پیتر لاروس (۱۲۵۴-۱۳۰۶) که در ۱۲۳۵-۲۳۲ سال پیش - لاروس کوچک را تنظیم کرد خودش آن را به‌صورت امروزی در نیارود، و بنگاه عظیم انتشاراتی لاروس را نیافرید. این کارها را پسینان او کردند. کردند، چون می‌خواستند. دایرةالمعارف عظیم و جامع بریتانیکا نخستین بار از ۱۱۴۷ تا ۱۱۵۰ در ۲۶۸۹ صفحه و در سه جلد، در ادلیمبرا (اسکاتلند) چاپ شد و اثر مشترک امروزی کار فراهم‌آورندگان آن نیست. اما ادامه کار آنان است و همین‌طور همه فرهنگها و دانشنامه‌های بزرگ. راز بقا و رشد آنها و پوییدنشان به‌سوی کمال در مداومت کار نهفته است. و با کمال تأسف و شرمندگی باید اذعان کرد که ما، در جامعه ایرانی، تا کنون در پی ادامه‌کاری که شده است بر نیامده‌ایم. هر که آمد عمارتی نو ساخت - یا بهتر بگویم قصد ساختن کرد - این را نیز موده نمی‌گویم، با مسئول دستگامی که چاپ جلد سوم دایرةالمعارف فارسی - اثری ارزنده که به همت همایون صنعتی‌زاده و سرپرستی دانشمندی دقیق مانند دکتر غلامحسین مصاحب - را بر عهده دارد درباره چاپ دوم آن و کارهایی که باید بشود "سخنی چند به طریق وعظ" می‌گفتم؛ اما نفسم گیرا نبود و آتش سرد من در هیزم تر او "درنگرفت، گفت: "این دایرةالمعارف دیگر به‌کار نمی‌خورد، باید اثری نو پدید آورد!" و از آن زمان تا به حال هنوز جلد سوم چاپ نشده است.

باری، مولف و ناشر فرهنگ معین در ۱۳۴۲ بر آن بوده‌اند که چاپ دوم را حداکثر تا ۱۳۴۷ منتشر سازند. اما مولف بیمار، و از گردونه خارج شد. و ناشر هم در بی‌ایقی

به وعده برنیامد. یا شاید برآمد اما وسیله نداشت. نمی دانم.

این را به عنوان جمله معترضه بگویم که من به سازمان (سابق) انتشارات امیرکبیر معتقد ، و برای آن و بنیادگذار و صاحبش آقای عبدالرحیم جعفری احترام بسیار داشتم ، زیرا که از روزی که این مرد کوشا کار خود را در کتابفروشی کوچکی زیر شمس‌العماره شروع کرد از دور ، و گاه از نزدیک ، ناظر و شاهد تلاش او بودم . از این روی از رفتاری که با او شده و دستش را از موسساتش و از کارش کوتاه کرده - و به تعبیر دوستی که در مورد کار و مدرسه خودش می گفت "عشقش را از او گرفتند" بسیار متأسفم و جدا "انتظار دارم که دستگاهی که بسیار دم از نظامات انسانی اسلام می زند حق او را به او بازگرداند .

سازمان انتشارات امیرکبیر اکنون نیز بزرگترین موسسه ، یا از بزرگترین موسسات ، انتشاراتی است . اما - دست کم در مورد فرهنگ معین - کار بازرگانی می کند ، نه کار صحیح و علمی . به هیچ روی برسر آن نیستم که کار کنونی در مورد فرهنگ را تخطئه کنم ، زیرا که حداقل اثری سودمند را با قیمتی به نسبت

معتدل در دسترس خواستاران می گذارد . اما این کار را هم به هیچ روی کافی نمی دانم و بهتر کردن و بار بهتر کردن این اثر را واجبترین کار می شناسم .

اما ، با این که سازمان امیرکبیر - به طوری که اطلاع یافته ام - از درآمد خود به پیشرفت موسسات تعلیماتی کمک می کند ( یا از آن کمک می گیرد ) ، شاید به دلایل اقتصادی ، یا فنی ، یا علمی ، قادر به انجام کار اساسی در مورد فرهنگ معین ، با دایره المعارف فارسی نباشد . در این صورت باید همان کاری بشود که در مورد دایره المعارف بریتانیکا شد . شرکتی امریکایی آن را در ۱۲۹۹ از موسسه انگلیسی خرید و بعد به دانشگاه شیکاگو منتقل ساخت ، و در آن دانشگاه سازمانی بوجود آمد که بریتانیکا را به صورت امروزی رسانید ، و فردا کار بهتری نشان خواهد داد .

وزارت فرهنگ و آموزش عالی ، با وزارت آموزش و پرورش ، یا یکی از دانشگاههای بزرگ کشور ، باید این دواثر - فرهنگ معین و دایره المعارف فارسی - را از کسی که مدعی مالکیت آنها است به نحوی عادلانه بخرند و از سلک اقتصاد به صدر علم کشاند ، سپس سازمانی

مسئول و دائمی بوجود آورند تازه چنان رود که رهبران رفتند و این دو اثر - و در موارد مشابه آثار مشابه - را به جایی رساند که همتهای بیگانه شان رسیده اند . این کار را بنیادی خصوصی نیز می تواند انجام دهد با اطمینان به این که هر چه در این راه صرف شود بی بازده مطلوب نخواهد بود .

مسئله "مانعی نیست ، بلکه واجب است ، که در همان حال که این دواثر راه کمال می - سپرند آثاری مشابه با وضعی بهتر به وجود آیند . ایران پنجاه میلیونی - نمی دانم - چندین ده میلیون فارسی زبان - که باید همتی کرد و رسیده ها را به خانه باز آورد و دیگران را جلب کرد - به دو یا چند اثر در این گونه بسنده نتوانند کرد .

ناله ام ضعیف و آهم سرد است - اما از دلی پردرد و در عین حال امیدوار بمرمی خیزد . امیدوارم که از آن "آهها باشد" که اثر داشته باشند . چه خوب خواهد بود که صاحبان قلمهای توانا و نفسهای گرم پایش گذارند و دست به قلم ببرند و کاری کنند که نامشان را جز خدمتگزاران به زبان فارسی و فارسی زبان مخلط سازد .

در کار تکنوازی باید خصوصیتی را از قبیل ارائه سبکی متفاوت - ارائه تکنیک و آهنگهای نو و منطقی یا حتی ارائه ردیف های موسیقی سنتی به شیوه ای جذاب تر و شیرین تر در نظر داشت .

بداهه نوازی بدین مفهوم است که که نوازنده بدون پیش بینی قبلی به اجرای نغماتی می پردازد که در همان "آن خلق" می کند چه بسا لحظهای بعد مطالبی را که ساخته از یاد خواهد برد .

بداهه نوازی با یک ساز در موسیقی سنتی ما نقشی اساسی دارد و بدون داشتن ذهنی خلاق در کنار مسابلی دیگر کار تکنوازی کلیشهای بیش نیست .



روی اول این نوار کلا شامل ضربی ها و آوازهای از پیش تعیین شده است که اکثراً توسط اینجانب ساخته شده برای نمونه :

۱ - در قطعه "برای صبا" از نوعی تضمین و استقبال ( که در شعر معمول است ) استفاده شده بدین طریق که ملودی آخر چهار مضرب مهور اجرا شده توسط استاد صبا در دستگاه شور بیان می شود و پادی است از استاد به طریق نغمه .

۲ - قطعه "ساحل" تلفیقی است از یک پیش درآمد قدیمی با یک ترانه بندری .

۳ - اجرایی از آهنگ عارف به گونه ای دیگر . روی دوم بداهه نوازی کاملی است در چهارگاه .

روی اول شور درآهزارا درآدم کرشمه قطعه ساسل تکستو برای سبک سکت زیرکش تکست بیات کزده گریه شتی برآوده من

روی ب چهارگاه درآدم چهار مضرب چهارپاره - ذابل مخالف نغمه حصار چهار مضرب عدی بخشه منوری نوتری ضربی

تلفن مرکز بخش ۹۳۴۴۱۷